

مورمونها

درس ۱۳

کلیسای عیسی مسیحِ قدیسانِ آخرالزمان

آموزه نجات در فرقه مورمونها (بخش چهارم)

گناه، کفاره و بخشش

در انجیل میخوانیم که عیسی مسیح شاگردانش هشدار میدهد که از خمیرمایه فریسیان، صدوقیان و هیروдіس دوری کنند.

رئوس مطالب

(۱) سقوط انسان و گناه اولیه

(۲) کفاره، عادل شمرده شدن

(۳) فیض و بخشش خدا

(۴) ملکوت آسمان

آیا سقوط آدم چیز خوبی بود؟

مورمونها معتقدند که آدم و حوا قبل از سقوطشان فانی نبودند. باید در نظر داشت که مورمونها کلمه فانی را متفاوت با آنچه ما تعریف میکنیم میدانند. آنها فانی بودن را بر مبنای توانایی زاد و ولد داشتن میدانند نه مرگ و میر.

بنابراین به اعتقاد آنها آدم و حوا قبل از ناطاعتی از فرمان خدا قادر به زاد و ولد کردن نبودند.

گفته شده که آدم و حوا پس از اینکه گناه کردند فانی گردیدند. بنابراین به آنها توانایی زاد و ولد بخشیده شد. علاوه بر این، از آنجائیکه فرزندی که آنها بدنیا میآوردند ارواح بدون جسم بودند و برای نائل شدن به مرحله الوهیت نیاز به جسم داشتند سقوط آدم و حوا این فرصت را نیز به آنها داد که به این فرزندان اجسامی نیز داده شود.

در واقع گناه باعث شد که اولاً انسان قادر به بارور و کثیر شدن گردد و سپس به آنها توانایی جسم پوشیدن را داد و این چیز خوبی بود!

البته این آموزه انحراف فاحشی با آموزه کتابمقدس دارد چون خدا بلافاصله پس از آفرینش آدم و حوا به آنها فرمان داد تا بارور و کثیر شوند. بنابراین آنها در آن هنگام توانایی زاد و ولد را داشتند.

پیدایش ۲۸:۱ آنها را برکت داد و فرمود: «بارور و کثیر شوید. نسل شما در تمام زمین زندگی کند و آن را تحت تسلط خود درآورد. من شما را بر ماهیان و پرندگان و تمام حیوانات وحشی می گمارم .

علاوه بر این خدا آدم و حوا را پس از ناطاعتی شان تشویق نکرد بلکه آنها را داوری نمود.

پیدایش ۱۶:۳-۱۹ و به زن فرمود: «درد و زحمت تو را در ایام حاملگی و در وقت زاییدن بسیار زیاد می کنم . اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو تسلط خواهد داشت .» و به آدم فرمود: «تو به حرف زنت گوش دادی و

میوه ای را که به تو گفته بودم نخوری ، خوردی . به خاطر این کار، زمین لعنت شد و تو باید در تمام مدت زندگی با سختی کار کنی تا از زمین خوراک به دست بیاوری. زمین خار و علفهای هرزه خواهد رویانید و تو گیاهان صحرا را خواهی خورد. با زحمت و عرق پیشانی از زمین خوراک به دست خواهی آورد تا روزی که به خاک برگردی، خاکی که از آن به وجود آمدی. تو از خاک هستی و دوباره خاک خواهی شد.»

حال از مورمونها پرسید:

- آیا خدا در پیدایش ۲۸:۱ به آدم و حوا امر نمیکند که بارور و کثیر شوند؟
- آیا این بدان مفهوم نیست که آدم و حوا قبل از سقوطشان در باب ۳ پیدایش توانایی زاد و ولد را داشتند؟
- مطابق با پیدایش ۱۶:۳-۱۹ آیا خدا از نافرمانی آدم و حوا راضی بود؟

گناه اولیه (Original Sin)

رهبران مورمونها بر این باورند که آدم و حوا مرتکب گناه نشدند بلکه آنچه آنها انجام دادند بخشی از نقشه خدا برای رستگاری آنها بود. در کتاب اصول انجیل مورمونها نوشته شده نقش آدم و حوا در طرح الهی این بود که فانی شدن را وارد دنیا کنند. در واقع، بر اساس الهیات مورمونها، ناطاعتی آدم و حوا یک سقوط نبود بلکه بنوعی ترفیع محسوب میشود و این آنها را شریف ترین فرزندان پدر آسمانی میسازد.

آقای Bruce McConkie یکی از رهبران مورمونها میگوید: انسان میتواند بدون اینکه گناه کند از فرمان خدا سرپیچی نماید. اگر چه آدم و حوا با خوردن میوه ممنوعه از دستور خدا سرپیچی نمودند اما این عمل آنها گناه محسوب نمیشود.

آقای جوزف اسمیت موسس فرقه مورمونها نتیجه میگیرد که آنچه ما تحت عنوان "سقوط" میشناسیم عملیست قابل تقدیر چون در انجام اراده خدا صورت گرفته است.

آقای Joseph fielding Smith یکی دیگر از رهبران مورمونها میگوید که من شخصاً ناطاعتی حوا را یک گناه نمیدانم بلکه آنرا برکتی از طرف خدا میبینم. در نتیجه ناطاعتی از اوامر خدا همیشه گناه نیست.

آقای John Widtsoe یکی از رسولان مورمون میگوید: در انجیل واقعی عیسی مسیح چیزی بنام گناه اولیه وجود ندارد. آنچه که به سقوط آنها معروف شده در واقع یک برکت پنهان بود. (دوم نفی ۲:۲۲-۲۵).

همانطور که مشاهده میکنید این آموزه ها کاملاً مغایر با تعالیم کتابمقدس میباشد. در رومیان ۱۲:۵ میخوانیم:

رومیان ۱۲:۵ گناه به وسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه، مرگ را به همراه آورد. در نتیجه، چون همه گناه کردند مرگ همه را دربر گرفت.

مطابق با این آیه گناه توسط یک شخص یعنی آدم به این جهان وارد شد. کلام خدا نیز گناه را نافرمانی از خدا میداند.

اول یوحنا ۴:۳ هرکه گناه کند، قانون خدا را می شکند، زیرا گناه چیزی جز شکستن قانون نیست.

رومیان ۱۹:۵ نیز به گناه اولیه اشاره میکند:

رومیان ۱۹:۵ و چنانکه بسیاری در نتیجه بی اطاعتی یک نفر، گناهکار گشتند، به همان طریق، بسیاری هم در نتیجه اطاعت یک نفر، کاملاً نیک محسوب خواهند شد.

پولس رسول در اول قرن‌تین ۲۱:۱۵-۲۲ نتیجه گناه را اینگونه بیان میکنند:

اول قرن‌تین ۲۱:۱۵-۲۲ زیرا چنانکه مرگ به وسیله یک انسان آمد، همان طور قیامت از مردگان نیز به وسیله یک انسان دیگر فرا رسید. و همان طور که همه آدمیان به خاطر همبستگی با آدم می میرند، تمام کسانی که با مسیح متحدند، زنده خواهند شد.

از مورمون‌ها بپرسید:

- کلام خدا در رومیان ۱۲:۵ میگوید "گناه بوسیله یک انسان وارد جهان شد" همچنین در رومیان ۱۹:۵ نیز میگوید که "بسیاری در نتیجه بی اطاعتی یک نفر گناهکار شدند" شما رد گناه اولیه را توسط مورمون‌ها چگونه توجیه میکنید؟

رومیان ۲۳:۳ نیز میگوید که همه گناه کرده اند و از جلال خدا محرومند. واژه "همه" در اینجا شامل آدم و حوا نیز میشود. ما در رساله رومیان میخوانیم که تمام نسل بشر در گناه سقوط کرده اند. علاوه بر این یوحنا در اول یوحنا ۸:۱ میگوید که:

اول یوحنا ۸:۱ اگر بگوییم که بی گناه هستیم خود را فریب می دهیم و از حقیقت دوریم.

ضمن اینکه آموزه مورمون‌ها را مبنی بر رد گناه اولیه تکذیب میکنیم مناسب است که به آنها اشاره کنیم که کتاب مورمون‌ها نیز به گناه اولیه اشاره میکند. (اگر چه کتاب مورمون‌ها از نظر ما کاملاً رد شده است).

۲ نیفای ۲۱:۲ خدا به تمامی انسانها امر فرموده که توبه کنند چون در نتیجه گناه والدینشان (آدم و حوا) همه گم شده میباشند.

موسیا ۱۹:۳ انسان ذاتاً از سقوط آدم دشمن خدا بوده است و برای همیشه خواهد بود مگر اینکه خود را تسلیم روح القدس نماید و ذات انسانی خود را بیرون کرده از طریق کفاره مسیح خداوند مقدس گردد و مثل کودکی که تسلیم پدرش است، خود را به تسلیم اراده خدا نماید.

از مورمون‌ها بپرسید:

- لطفاً از کتاب مورمون‌ها بخش ۲ نیفای ۲۱:۲ را بلند بخوانید.
- حال لطفاً کتاب موسیا ۱۹:۳ را بلند قرائت کنید.
- حال از آنجائیکه در کتاب تعالیم و عهد‌ها ۹:۲۰ (مورمون‌ها) آمده که کتاب مورمون‌ها حاوی انجیل کامل است، مغایرت آنچه کتاب شما در رابطه با گناه اولیه میگوید را با آموزه رهبران‌تان که آنرا تکذیب نموده اند چگونه توجیه میکنید؟

تغییر تعریف گناه

مورمون‌ها تعریف گناه را چنان تغییر میدهند که به الهیاتشان بخورد. آنها گناه را قضاوت نادرست، اشتباه، نقص یا بی کفایتی میدانند. آنها بر این باورند که کودکان تا سن ۸ سالگی یعنی سنی که قادر به جوابگویی باشند بیگناه میباشند. به عقیده آنها بچه‌ها ذاتاً خوب هستند و هیچ تمایلی به گناه ندارند.

در صورتیکه کلام خدا میآموزد که انسان در گناه به این دنیا میآیند و ذات گناه آلود در حین زایمان به انسان منتقل میشود.

مزمور ۵۱:۵ من از روزی که به دنیا آمدم گناهکار بودم، از همان لحظه ای که نطفه ام در رحم مادرم بسته شد،

به گناه آلوده بودم.

پیدایش ۸:۲۱ وقتی بوی خوش قربانی به پیشگاه خداوند رسید، خداوند با خود گفت: «بعد از این، دیگر زمین را به خاطر انسان لعنت نخواهم کرد. زیرا خیال دل انسان حتی از زمان کودکی بد است. دیگر همه حیوانات را هلاک نمی کنم، چنانکه کردم.

در افسسیان ۳:۲ میخوانیم که ما ذاتاً فرزندان خشم و غضب خدا هستیم. عیسی مسیح نیز خود فرمود که انسان شرور است.

افسسیان ۳:۲ در آن زمان، ما همچون شما دستخوش شهوات جسمانی و اسیر تمایلات و افکار نفسانی خود بودیم. درست مانند سایر آدمیان ما نیز طبیعتاً سزاوار خشم و غضب خدا بودیم.

متی ۱۲:۳۴ ای مارها، شما که آدمهای شریری هستید، چگونه می توانید سخنان خوب بگویید؟ زیرا زبان از آنچه دل را پر ساخته است، سخن می گوید.

و انسان مستعد انجام بزرگترین گناهان است.

مرقس ۷:۲۰-۲۳ عیسی به سخن خود ادامه داده گفت: «آنچه که آدمی را ناپاک می سازد، چیزی است که از وجود او صادر می شود. چون افکار بد، از دل بیرون می آید یعنی فسق، دزدی، آدمکشی، زنا، طمع، خباثت، فریب، هرزگی، حسادت، تهمت خودبینی و حماقت، اینها همه از درون بیرون می آیند و انسان را ناپاک می سازند.»

عیسی مسیح نیز در رابطه با انسان چنین میگوید:

لوقا ۱۹:۱۰ انسان تماماً گم شده است

لوقا ۱۵:۱۰ انسان گناهکار است

لوقا ۱۵:۱ انسان باید نزد خدا توبه و بازگشت کند

یوحنا ۳:۳، ۵، ۷ انسان باید تولد تازه یابد

عیسی مسیح گاهی گناه و وضعیت گناه آلود انسان را به چیزهای مختلف تشبیه میکند.

متی ۲۳:۱۶-۲۶ نابینایی

متی ۹:۱۲ بیماری

یوحنا ۸:۳۴ بردگی

یوحنا ۸:۱۲ و ۱۲:۳۵-۴۶ زندگی در تاریکی

لوقا ۷:۳۷-۴۸ علاوه بر این مسیح فرمود که تمام انسانهای جهان آلوده به گناه میباشند و همه نزد خدا محکومند.

مسیح فرمود که افکار درونی و اعمال آدمی هر دو محض شرارت است (متی ۵:۲۸). او نیز فرمود که انسان دروناً ناپاک است یعنی خیالات بد یعنی دزدی، قتل، زنا، طمع، نفرت، حيله، دشمنی، تهمت، خشم و نادانی از قلب او سرچشمه میگیرد (مرقس ۷:۲۱-۲۳).

کلام خدا بما میگوید که خدا از این وضعیت نابسامان انسان باخبر است. او همه خطایا و گناهان ما را میشناسد. او از تمام افکار و اعمال ما باخبر است و انسان نمیتواند هیچ چیزی را از خدا مخفی نگاه دارد. (متی ۲۲:۱۸ و لوقا ۶:۸ و یوحنا ۴:۱۷-۱۹). کلام خدا به وضوح مشخص نموده که گناه فقط یک اشتباه یا فقط یک قضاوت نادرست نیست بلکه هر

کفاره و نجات

الهیات دانان میگویند که درک ضعیف از گناه به یک درک ضعیف از نجات می انجامد. در این سخن هیچ استثنایی وجود ندارد. اگر مسئله گناه کم اهمیت شود آنگاه اهمیت نیاز به نجات دهنده نیز کاهش می یابد. بنابراین تعجبی نیست که مورمونها نقش عیسی در نجات را چنان مهم نمیدانند. برای مورمونها کفاره فقط به مفهوم پیروزی مسیح بر مرگ میباشد. بعبارتی از دید مورمونها عیسی مسیح با پیروزی بر مرگ در غیرفانی بودن را بسوی آدمی گشود. او بهای اینکه ما بتوانیم از قبر برخیزیم را پرداخت نمود. پس عیسی مسیح ما را از مرگ ابدی نجات داد.

خیلی مهم است که بدانید از دید مورمونها عیسی مسیح ما را از اینکه برای همیشه بمیریم نجات داد. از دید آنها او بهای رستخیز ما از مردگان را پرداخت کرد. پس نجات در الهیات مورمونها یعنی رستخیز از مردگان. پس اهمیت کار مسیح از نظر مورمونها در این است که او به ما این امکان را بخشید که از قبر برخیزیم و بسوی خدا شدند و زاد و ولد آسمانی برخوردار شویم. در غیر اینصورت ما برای همیشه می مردیم و نیست می شدیم.

اعتقادات فوق با آموزه کتابمقدس در مورد کفاره تفاوت بسیار دارد. عیسی مسیح مفهوم کفاره بوضوح مشخص نموده است. کلام خدا بما میگوید ماموریت عیسی مسیح این بود که بجای ما بر روی صلیب کفاره شود تا بدینوسیله نجات یا حیات جاویدی را هیچ بشری نمیتواند برای خود بدست آورد را برایش مهیا گرداند.

عیسی مسیح فرمود که به این جهان آمده است تا بمیرد (یوحنا ۱۲:۲۷). او فرمود که مرگ او قربانی گناه است و خون او برای بخشش گناهان بسیاری ریخته میشود (متی ۲۶:۲۶-۲۸). مرگ عیسی برایش بسیار اهمیت داشت چون میدانست بدون آن بشریت هلاک میشد (متی ۱۶:۲۵ و یوحنا ۳:۱۶) و انسان برای همیشه از خدا دور میماند. (متی ۱۰:۲۸ و ۲۳:۱ و ۳۳:۲۳ و ۴۱:۲۵ و لوقا ۱۶:۲۲-۲۸).

او ماموریتش را اینچنین بیان نمود.

متی ۲۸:۲۰ پسر انسان نیز نیامد تا خدمت شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد.»

لوقا ۱۰:۱۹ زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را پیدا کند و نجات دهد.»

یوحنا ۱۷:۳ زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد که جهانیان را محکوم نماید بلکه تا آنان را نجات بخشد.

او خود را به مثابه شبانی نیکو تشبیه میکند که نه تنها جان خود را برای گوسفندانش میدهد بلکه داوطلبانه این کار را میکند

(یوحنا ۱۰:۱۴، ۱۷-۱۸). من شبان نیکو هستم و خاصان خود را می شناسم و خاصان من مرا می شناسند. و از این

سبب پدر مرا دوست می دارد که من جان خود را می نهم تا آن را باز گیرم. کسی آن از من نمی گیرد، بلکه من

خود آن را می نهم. قدرت دارم که آن را بنهم و قدرت دارم آن را باز گیرم. این حکم را از پدر خود یافتم.»

این دقیقاً کاریست که عیسی مسیح بر روی صلیب انجام داد یعنی جان خود را برای گناهان بشر به کفاره گذراندن (متی ۵۳:۲۶).

حتی دیگران نیز این حقیقت را در مورد عیسی میدانستند. وقتی عیسی مسیح به یحیی تعمید دهنده نزدیک میشد یحیی او را اینگونه توصیف نمود.

یوحنا ۱:۲۹ روز بعد، وقتی یحیی عیسی را دید که به طرف او می آید، گفت: «نگاه کنید این است آن برّه خدا

که گناه جهان را برمی دارد.

یحیی تعمید دهنده عیسی را بعنوان بره خدا معرفی میکند که گناهان بسیاری را کفاره میکند. اشعیا نبی نیز در این رابطه میفرماید:

اشعیا ۷:۵۳ با او، با خشونت رفتار شد، اما او با فروتنی آن را تحمل کرد. مانند بره ای که به کشتارگاه می برند، و مانند گوسفندی که در حال پشم چینی ساکت است، او دهان خود را نگشود.

عادل شمرده شدن توسط ایمان

مورمونها شدیداً معتقدند که آموزه عادل شمرگی توسط ایمان یک آموزه غلط میباشد. آقای James E. Talmage یکی از رهبران مورمونها در این رابطه میگوید

البته بعد از تاکیدات فراوانی که مورمونها بر نقش اعمال در کسب نجات دارند هیچ بعید به نظر نمیرسد که آنها آموزه عادل شمرده شدن توسط ایمان را رد نمایند. جالب اینجاست که برای رد این آموزه مورمونها باید بسیاری از آیات عهدجدید را که خلاف آنرا ثابت میکند نیز نادیده بگیرند. ذیلاً به چند آیه نمونه اشاره میکنیم که نشان میدهند غیر ممکن است غیر ممکن است که انسان با رعایت شریعت بتواند عادل شمرده شود.

رومیان ۲۸:۳ زیرا ما به یقین می دانیم که به وسیله ایمان، بدون اجرای شریعت می توانیم کاملاً نیک محسوب شویم.

رومیان ۱:۵ بنابراین چون از راه ایمان در حضور خدا نیک شمرده شده ایم، از صلح با خدا که به وسیله خداوند ما عیسی مسیح برقرار گردید، بهره مند هستیم.

غلاطیان ۸:۳ چون کلام خدا از پیش، زمانی را می دید که خدا غیریهودیان را از راه ایمان کاملاً نیک محسوب می کند. قبلاً به ابراهیم بشارت داده گفت: «به وسیله تو تمام ملت‌ها برکت خواهند یافت.»

غلاطیان ۲۱:۳ بنابراین آیا شریعت با وعده های خدا سازگار نیست؟ ابداً! زیرا اگر شریعتی داده شده بود که قادر به بخشیدن حیات بود، البته نیکی مطلق نیز به وسیله شریعت میسر می شد.

غلاطیان ۲۴:۳ به این ترتیب شریعت دایه ما بود که ما را به مسیح برساند تا به وسیله ایمان کاملاً نیک محسوب شویم،

متون نوشته های عهدجدید همگی در تأیید این حقیقتند که انسان با رعایت شریعت نمیتواند رستگار گردد بلکه تنها چیزی که برای نجات و رستگاری انسان کفایت میکند ایمان به عیسی مسیح میباشد. آیات نمونه برای این بخش از آموزه بشرح زیر میباشد.

یوحنا ۱۵:۳ تا هرکس به او ایمان بیاورد صاحب حیات جاودان گردد.

یوحنا ۲۴:۵ یقین بدانید، هرکه سخنان مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودانی دارد و هرگز محکوم نخواهد شد، بلکه از مرگ گذشته و به حیات رسیده است.

یوحنا ۲۵:۱۱ عیسی گفت: «من قیامت و حیات هستم. کسی که به من ایمان بیاورد حتی اگر بمیرد، حیات خواهد داشت؛

یوحنا ۴۶:۱۲ من نوری هستم که به جهان آمده ام تا هرکه به من ایمان آورد در تاریکی نماند،

تاکید کنید که اگر نجات فقط بتوسط ایمان حاصل نمیشد پس تمام گفته های مسیح در انجیل یوحنا باید دروغ باشد.

- آیا بنظر شما اگر نجات توسط اعمال حاصل میشد گفته های مسیح مبنی بر نجات فقط توسط ایمان به او دروغ نمیبود؟

البته به مورمونها بگوئید که اعمال آدمی از اهمیت بسیار والای برخوردار است چون بدون اعمال نیک ایمان مرده است. اما آنها قادر به نجات دادن شخص نیستند.

مسیحیان بخاطر اینکه نجات دارند اعمال نیک انجام میدهند نه برای اینکه نجات بیابند. بنابراین اعمال نیک شرط نجات نیستند بلکه نتیجه آن میباشند.

يعقوب باب ۲ نیز در این رابطه توضیح میدهد که ایمان بدون عمل مرده است. پس انسان توسط ایمانی که در عمل کار میکند نجات می یابد. بعبارتی ایمان نجاتبخش ایمانیست که عمل میکند.

نقش فیض

در الهیات مورمونها فیض یعنی قدرت خدا که بما توانایی میبخشد تا در مسیر الوهیت و به جلال رسیدن تلاش کنیم. خیلی مهم است که بدانیم در الهیات مورمونها فیض خدا به تنهایی باعث رستگاری انسان نمیشود. آقای Spencer W. Kimball در این رابطه میگوید:

یکی از دروغ های شیطنانی این است که انسان تنها با فیض خدا بتوسط ایمان بمسیح نجات می یابد.

کلام خدا بر این آموزه تاکید دارد که نجات از طریق فیض خدا بتوسط ایمان حاصل میشود.

افسسیان ۸:۲-۹ زیرا به سبب فیض خداست که شما از راه ایمان نجات یافته اید و این کار شما نیست بلکه بخشش خداست. این نجات نتیجه کارهای شما نیست، پس هیچ دلیلی وجود ندارد که کسی به خود ببالد.

تیتس ۳:۵ او ما را نجات داد. اما این نجات به خاطر کارهای نیکویی که ما کردیم نبود، بلکه به سبب رحمت او و از راه شستشویی بود که به وسیله آن، روح القدس به ما تولّد تازه و حیات تازه بخشید.

رومیان ۳:۲۰ زیرا هیچ انسانی در نظر خدا با انجام احکام شریعت نیک شمرده نمی شود. کار شریعت این است که انسان گناه را بشناسد.

غلاطیان ۲:۱۶ خوب می دانیم که هیچ کس با اجرای مقررات شریعت در حضور خدا کاملاً نیک محسوب نمی شود. بلکه فقط بر اثر ایمان به عیسی مسیح نیک محسوب می گردد. ما خود نیز به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا به وسیله ایمان و نه با اجرای شریعت نیک شمرده شویم. نه فقط ما بلکه هیچ بشری از راه انجام احکام شریعت نمی تواند نیک محسوب شود.

باید به مورمونها تاکید نمود که فیض خدا (یعنی بخششی که خدا بدون در نظر گرفتن استحقاق ما بما میدهد).

رومیان ۶:۱۱ اگر این از فیض خداست، دیگر بسته به کارهای انسانی نیست و اما اگر به کارهای انسان مربوط است، دیگر فیض معنایی نخواهد داشت.

از مورمونها چنین سوال نمائید:

- لطفاً رومیان ۶:۱۱ را بلند بخوانید.

- آیا متوجه میشوید که پولس رسول در این آیه کاملاً حساب فیض و ایمان را از هم جدا

نموده است؟

- سپس افسسیان ۲:۸-۹ را برایشان بخوانید.

افسسیان ۲:۸-۹ محض فیض نجات یافته اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست، و نه از اعمال تا هیچ کس فخر نکند.

شاید بهتر باشد که به آنها متذکر شوید که خدا نه تنها نجات بلکه عطایای روح القدس را نیز با فیض خود به ایمان میبخشد نه اعمال یا شایستگی آنها.

رومیان ۴:۴-۵ شخصی که کار می کند، مزد می گیرد و مزد او هدیه به حساب نمی آید؛ بلکه حق اوست که باید به او پرداخت شود. و اما مردی که کار نمی کند بلکه به خدایی که حتی شخص خداشناس را کاملاً نیک می گرداند ایمان می آورد، ایمان او نیکی مطلق به حساب می آید.

کسب بخشش الهی

بخشش الهی در الهیات مورمونها بسادگی بدست نمی آید. کتاب راهنمای اصول انجیل مورمونها میگوید:

خدا تا زمانی که قلبمان از رنجش، نفرت و احساسات بد نسبت به دیگران پاک نشده ما را نخواهد بخشید.

آقای Bruce McConkie یکی دیگر از رهبران مورمونها میگوید:

بخشش کامل خدا فقط شامل کسانی میگردد که تماماً قلب خود به او تسلیم کنند و همه اوامر او را اطاعت نمایند.

کسب بخشش الهی در الهیات مورمونها مستلزم انجام اعمال نیک بسیار است. فرقه مورمونها از اعضایش درخواست اعمال زیادی برای رستگار شدن مینماید و علاوه بر آن از آنها میخواهد که تماماً خود را با فروتنی کامل تسلیم کنند.

در مقابل آن کلام خدا را داریم که چنین میگوید:

عبرانیان ۱۷:۱۰-۱۸ و بعد از آن می فرماید: «من هرگز گناهان و خطایای آنان را به یاد نخواهم آورد.» پس وقتی این گناهان آمرزیده شده اند دیگر نیازی به قربانی گناه نیست.

مزمور ۳۲:۱-۲ خوشا به حال کسانی که گناهانشان آمرزیده و خطاهایشان بخشیده شده است. خوشا به حال کسی که خداوند او را مجرم نشمارد و کسی که در او مکر و حيله ای نیست.

افسسیان ۱:۷ از راه اتحاد با مسیح و به وسیله خون اوست که ما رهایی یافته، و گناهان ما بخشیده شد و چقدر عظیم است آن فیضی که خدا

میکاه ۷:۱۹ دوباره بر ما مهربان می شوی. گناهان ما را در زیر قدمهایت پایمال می کنی و همه را در اعماق دریا می افکنی.

مزمور ۱۰۳:۱۱-۱۲ زیرا به اندازه ای که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر محبت پایدار خداوند بر آنانی که او را گرامی می دارند، عظیم است. به اندازه ای که مشرق از مغرب دور است، به همان قدر گناهان ما را از ما دور می سازد.

از مورمونها بپرسید:

- آیا متوجه تفاوت آموزه بخشش بین مورمونها و آنچه کتابمقدس میگوید هستید؟

- آیا میخواهید بدانید که چطور عیسی مسیح گناهان شما را میآمرزد؟

- آیا میخواهید که شهادت زندگی مرا بدانید؟

آقای LeGrand Richards که یکی از رهبران مورمونهاست میگوید:

یکی از بزرگترین خطاهای مسیحیان آموزه آنها در مورد بهشت و جهنم است. آنها معتقدند که تمام کسانی که به بهشت میروند یکسان پاداش میگیرند و تمام کسانی که به جهنم میروند یکسان عذاب میکشند. مورمونها بر این عقیده اند که در انتهای زمان مردم به یکی از این سه مکان خواهند رفت.

(۱) ملکوت آسمان

(۲) ملکوت زمینی

(۳) ملکوت تاریکی (Telestial)

هر کس بر مبنای لیاقت و شایستگی که داشته باشد به یکی از این سه مکان خواهد رفت. آقای John Widtsoe که یکی از رسولان مورمون میباشد در کتابی تحت عنوان شواهد و اصلاحات نوشته است:

اعمال یک شخص در مقابل پدر پر محبت تعیین کننده دآوری نهایی او در رابطه با اینکه آیا او باید وارد ملکوت آسمانی، زمینی یا تاریکی شود.

ملکوت آسمان

مورمونها بر این باورند که ملکوت آسمان که رفیع ترین درجه جلال میباشد مکان تجمع مورمونهای وفادار میباشد. ساکنین این بخش از ملکوت عادلانی میباشد که وفادارانه احکام خداوند را نگاه داشتند و از گناهانشان پاک گردیده اند. همچنین کودکانی که قبل از سن هشت سالگی میمیرند در اینجا میباشند. اینجا مکانیست که مورمونها با پدر آسمانی و عیسی مسیح زندگی خواهند کرد. این ملکوت دارای سه درجه میباشد.

(۱) بالاترین درجه: در این درجه همه به الوهیت رسیده اند و تشکیل خانواده الهی داده اند و فرزندان روحانی ای تولید نموده اند که بتوانند به مرحله خدایی برسند.

(۲) درجه متوسط: ساکنین این بخش از ملکوت آسمان هنوز کشف نشده است.

(۳) کمترین درجه: در اینجا مورمونهایی هستند که موفق به ازدواج در معبد نشده اند. آنها خادم خواهند شد.

آقای Bruce McConkei در رابطه با شرط ورود به این مرحله از ملکوت آسمان چنین میگوید:

افرادی به این بخش از ملکوت آسمان راه می یابند که تماماً احکام انجیل آسمانی را انجام داده باشند. این احکام شامل توبه و تعمید آب میباشد.

ملکوت زمینی

مطابق بر آموزه مورمونها این بخش از ملکوت اختصاص داده شده با افرادی غیر مورمون که زندگی اخلاقی داشته اند. یعنی از لحاظ اخلاقی آدمهای سالمی بوده اند و مورمونهایی که وفادار نبودند یعنی مطابق با استاندارد و تعهدات مورمونها زندگی نکردند. در این ملکوت هیچ کس متاهل نیست. این بخش از ملکوت به چهار درجه تقسیم بندی شده است.

۱. افراد متعهد که بدون شریعت می میرند
۲. آنهاییکه پیام انجیل را در این دنیا رد میکنند.
۳. افراد قابل احترامی که در دنیا زندگی کردند.
۴. اعضای کلیسای مورمون که در زندگی روحانی شان به کلیسای مورمون وفادار نبودند و به کلیسا تعهداتشان را عمل نکردند.

ملکوت تلستیتال / Telesial Kingdom

ملکوت تلستیتال پائین ترین درجه ملکوت است که سرنوشت اکثر مردم است. اینجا نیز مثل ملکوت زمینی هیچ کس ازدواج نکرده است. اما هنوز قدری جلال در اینجا نیز دیده میشود.

آقای MacConkie میگوید:

اکثر مردم بالغ که از زمان آدم تا کنون زندگی کرده اند در این بخش از ملکوت بسر خواهند برد. آنها اشخاصی هستند که به رسم دنیا زیستند. یعنی جسمانی بودند، احساسی و شیطانی بودند. بجای پذیرفتن پیام انجیل، فلسفه های باطل این دنیا را انتخاب کردند، دروغ گویند، دزدی میکنند، زناکار و جادوگری میکنند، کافرند و قتل میکنند.

طبق الهیات مورمونها آدمها قبل از راه یافتن به ملکوت تلستیتال باید موقتاً در جهنم زجر بکشند. پس از اینکه مردم بخاطر گناهانشان زجر کشیدند به ملکوت تلستیتال راه خواهند یافت.

ظلمت خارجی

ظلمت خارجی اصطلاحیست که مورمونها برای مجازات پس از مرگ استفاده میکنند و شباهت زیادی به جهنمی دارد که در کتابمقدس از آن صحبت شده است. این مکانیست که فرزندان هلاکت به آنجا میروند.

آلما ۴۰:۱۳-۱۴ میخوانیم.

سپس ارواح شریان که هیچ شراکتی با روح خدا ندارند که بد را به خوبی ترجیح دادند و روح شیطان وارد آنان شد وارد ظلمت خارجی خواهند شد. جایی که گریه و شیون و فشار دندان خواهد بود. این بخاطر شرارتشان است که توسط شیطان اسیر شدند. این مکان ترسناک و مهیب نشان غضب خدا بر آنان است. این وضعیت ارواح کساناست که در گناه زندگی کردند. شریان در ظلمت خارجی تا زمان رستائیز خواهند ماند.

برای مورمونها جهنم یا ظلمت خارجی یک مکان موقت برای عذاب کشیدن است. تصور آنها از جهنم عذاب جاودانه نیست.

آقای James Talmage در رابطه با جهنم میگوید:

هیچ روحی بیش از زمان مقرر در جهنم باقی نخواهد ماند. ارواحی که در جهنم هستند آنقدر در جهنم عذاب خواهند کشید تا عدالت خدا در مورد آنها انجام شود. پس از اینکه جریمه خود را پرداخت کردند درب جهنم برایشان گشاده خواهد شد. آنگاه آنها پاک خواهند بود و به طبقه ای که در ملکوت آسمان تعلق دارند خواهند پیوست.

--- استدلال از کلام خدا ---

فقط دو سرنوشت وجود دارد

در کلام مکرراً میبینیم که انسانها به دو طبقه نجات یافتگان و نجات نیافتگان یا ایمانداران و بی ایمانداران تقسیم بندی میکند و سرنوشت هر شخص را با یکی از این دو گروه مشخص مینماید، بطوریکه ایمانداران به ملکوت اسمان و بی ایمانان به جهنم خواهند رفت. به آیات زیر در این رابطه توجه کنید.

متی ۳۰:۱۳ بنابراین من برای آنان در قالب مثلها صحبت می کنم، زیرا آنان نگاه می کنند ولی نمی بینند و گوش می دهند ولی نمی شنوند و نمی فهمند.

متی ۴۹:۱۳ در آخر زمان نیز چنین خواهد بود. فرشتگان می آیند و بدکاران را از میان نیکان جدا ساخته،

متی ۳۲:۲۵ و تمام ملل روی زمین در حضور او جمع می شوند. آنگاه او مانند شبانی که گوسفندان را از بُزها جدا می کند، آدمیان را به دو گروه تقسیم خواهد کرد.

لوقا ۲۶:۱۶ اما کار به اینجا تمام نمی شود شکاف عمیقی میان ما و شما قرار دارد. هر که از این طرف بخواهد به شما برسد نمی تواند از آن بگذرد و کسی هم نمی تواند از آن طرف پیش ما بیاید!

پس با توجه به آیات فوق و بسیاری آیات دیگر مشابه میبینیم که کلام خدا بطور مشخص اشاره به دو گروه انسان با فقط دو سرنوشت متفاوت برای زندگی پس از مرگ میکند.

اعمال ۳۱:۱۶ پاسخ دادند: «به عیسی خداوند ایمان آور که تو با اهل خانه ات نجات خواهی یافت.»

از مورمونها بپرسید:

- لطفاً آیات متی ۳۰:۱۳، متی ۴۹:۱۳، متی ۳۲:۲۵ و لوقا ۲۶:۱۶ را بلند بخوانید؟

- آیا بنظر شما تمام این آیات فقط به دو گروه از افراد با دو سرنوشت اشاره نمیکنند؟

لازم به ذکر است که منظور کلام خدا از افراد نجات نیافته تمامی کسانیست که از ادیان و مذاهب دیگر به عیسی مسیح ایمان نیاوردند و شاید هم در مذهب خود عادل و افراد خوبی باشند و اعمال نیک بجا آوردند. (برای مطالعه بیشتر میتوان به رساله رومیان مراجعه نمود).

عدالت خدا و درجات عذاب در جهنم

جلوتر اشاره کردیم که یکی از ایراداتی که مورمونها به آموزه جهنم و عذاب جاودانه میگیرند این است که چرا خدا باید تمام گناهکاران را با یک درجه عذاب مجازات نماید در صورتیکه این با عدالت خدا ناسازگار است.

در پاسخ به آنها باید گفت که ما مسیحیان معتقد نیستیم که همه کسانی که به جهنم میروند یکجور عذاب خواهند کشید. بلکه از کلام خدا میفهمیم که در جهنم درجات مختلف عذاب وجود دارد. مثلاً شخصی مثل هیتلر با یک شخص عادی که به مسیح ایمان نیاوده یکجور عذاب نخواهند کشید. برای روشن شدن موضوع به آیات زیر توجه کنید.

متی ۱۵:۱۰ بدانید که در روز قیامت حالت سدوم و غموره از آن شهر بهتر خواهد بود.

متی ۲۴-۲۱:۱۱ گفت: «وای بر تو ای خورزین و وای بر تو ای بیت صیدا، اگر معجزاتی که در شما انجام شد در صور و صیدون انجام می شد، مدتها پیش از این، پلاس پوش و خاکسترنشین توبه می کردند. اما بدانید که در روز قیامت برای صور و صیدون بیشتر قابل تحمل خواهد بود تا برای شما. و اما تو ای کفرناحوم که سر به آسمان کشیده ای! به دوزخ سرنگون خواهی شد، زیرا اگر معجزاتی که در تو انجام شد در سدوم انجام می شد، آن شهر تا به امروز باقی می ماند. اما بدان که در روز قیامت برای شهر سدوم بیشتر قابل تحمل خواهد بود تا برای تو.»

متی ۲۷:۱۶ پسر انسان با جلال پدر خود همراه با فرشتگان می آید و به هر کس بر طبق کارهایش پاداش می

دهد.

لوقا ۴۷:۱۲-۴۸ «غلامی که خواسته های ارباب خود را می داند و با وجود این برای انجام آنها هیچ اقدامی نمی کند با شلاق ضربه های بسیار خواهد خورد. اما کسی که از خواسته های اربابش بی خبر است و مرتکب عملی می شود که سزاوار تنبیه می باشد، ضربه های کمتری خواهد خورد. هرگاه به کسی زیاده داده شود از او زیاد مطالبه خواهد شد و هرگاه به کسی زیاده تر سپرده شود، از او زیاده تر مطالبه خواهد شد.

عبرانیان ۲۹:۱۰ پس اگر کسی پسر خدا را تحقیر نموده و خونی را که پیمان بین خدا و انسان را اعتبار بخشیده و او را از گناهانش پاک ساخته است، ناچیز شمارد و به روح پرفیض خدا اهانت نماید، با چه کیفر شدیدتری روبه رو خواهد شد!

مکاشفه ۱۱:۲۰-۱۵ آنگاه تخت سفید بزرگی را دیدم که شخصی بر آن نشسته بود. آسمان و زمین از حضور او گریخت و دیگر اثری از آنها نبود. و مردگان را دیدم که همه از بزرگ و کوچک در مقابل تخت ایستاده بودند و کتابها باز می شد. در این وقت کتاب دیگری که همان دفتر حیات است گشوده شد. مردگان بر طبق آنچه در کتابها نوشته شده بود یعنی مطابق کارهای خود داوری شدند. دریا، مردگان خود را تحویل داد و مرگ و دنیای مردگان نیز مردگانی را که در خود نگاه داشته بودند، پس دادند. آنها از روی کارهایشان داوری شدند. آنگاه مرگ و دنیای مردگان به دریاچه آتش افکنده شد. (این دریاچه آتش، مرگ دوم است.) و هرکس که نامش در دفتر حیات نوشته نشده بود، به درون آن افکنده شد.

مکاشفه ۱۲:۲۲ عیسی می گوید: «آری، من بزودی می آیم و برای هرکس طبق کارهایش پاداشی با خود خواهم آورد.

- | |
|--|
| <p>- لطفاً متی ۱۵:۱۰ و ۲۴-۲۱:۱۱ و لوقا ۴۷:۱۲-۴۸ و عبرانیان ۲۹:۱۰ را بلند بخوانید؟</p> <p>- آیا بنظر شما این آیات بما نمیگویند که در جهنم هر کس بنا به اعمالش مجازات میشود و عذاب افرادی که در آنجا هستند شدت و ضعف دارد؟</p> |
|--|

عدالت خدا و پاداش در بهشت

نه تنها در جهنم درجات عذاب مختلف وجود دارد بلکه در بهشت نیز ایمانداران به درجات مختلف پاداش خواهند گرفت. وقتی عیسی مسیح به جهان باز آید ایمانداران را نسبت به اعمالشان پاداش خواهد داد. به آیات زیر توجه کنید.

اول قرنیتان ۱۱:۳-۱۵ زیرا شالوده دیگری، غیر از آنچه ریخته شد، نمی توان گذاشت و آن شالوده عیسی مسیح است. بعضی ها وقتی روی آن شالوده بنایی می سازند، طلا و نقره و سنگهای عالی بکار می برند و اشخاص دیگر از چوب و گیاه و کاه استفاده می کنند. ولی چگونگی کار هرکس آشکار خواهد شد، زیرا روز داوری آن را ظاهر خواهد ساخت. چون آن روز با آتش همراه خواهد بود و آتش کیفیت کار همه را می آزماید و ماهیتش را نشان می دهد. اگر آنچه را که آدمی بر روی آن شالوده ساخته است از آتش سالم بیرون آید، آن شخص پاداش خود را خواهد یافت. اما اگر کارهای دست او سوخته شود، پاداش خود را از دست خواهد داد، ولی خود او نجات خواهد یافت. مانند کسی که از میان شعله های آتش گذشته و نجات یافته باشد.

دوم قرنیتان ۵:۱۰ زیرا همه ما همان طور که واقعاً هستیم، باید روزی در مقابل تخت داوری مسیح بایستیم تا مطابق آنچه که با بدن خود کرده ایم - چه نیک و چه بد- جزا بیابیم.

بنابراین ابرات مورمونها بر مسیحیان که میگویند بهشت و جهنم مسیحیان مغایر با عدالت خداست کاملاً بی اساس است

چون آنها درجات مختلفی را که ما از کلام خدا در عذاب و یا پاداش خدا معتقدیم را در نظر نمیگیرند.

تمام نجات یافتگان در یک مکان با مسیح خواهند بود

عیسی مسیح در یوحنا ۲۶:۱۲ کاملاً مشخص نمود که خادمین یا پروانش هر جایی که او باشد آنها نیز خواهند بود.

یوحنا ۲۶:۱۲ اگر کسی می خواهد مرا خدمت کند باید به دنبال من بیاید و هر جا من باشم، خادم من نیز در آنجا با من خواهد بود و اگر کسی مرا خدمت کند پدر من او را سرافراز خواهد کرد.

او در اینجا اصلاً به سه ملکوت اشاره نمیکند. تمام کسانی که به مسیح ایمان دارد وارث ملکوت او خواهند بود و برای همیشه با او خواهند بود.

غلاطیان ۲۹:۳ و اگر متعلق به مسیح هستید، فرزند ابراهیم و مطابق وعده خدا، وارث او هستید.

تیتس ۷:۳ تا به وسیله فیض او کاملاً نیک محسوب شده و مطابق امید خود، وارث حیات جاودانی گردیم.

یعقوب ۵:۲ ای دوستان عزیز گوش دهید، مگر خدا فقیران این جهان را برگزیده است تا در ایمان، دولتمند و وارث آن ملکوتی باشند، که او به دوستداران خود وعده داده است؟

در رومیان ۲۱:۳-۲۲ میخوانیم که عدالت خدا در دسترس هر کس که به عیسی مسیح ایمان آورد خواهد بود.

رومیان ۲۱:۳-۲۲ اما اکنون نیکی مطلق خدا که تورات و انبیا بر آن شهادت داده اند آشکار شده است. خدا بدون در نظر گرفتن شریعت و فقط از راه ایمان به عیسی مسیح همه ایمانداران را نیک می شمرد، زیرا هیچ تفاوتی نیست،

علاوه بر این عیسی مسیح خود فرمود که هر کس به او ایمان بیاورد جز یک گله میباشد. در اینجا گله تشبیهی است که مسیح برای ملکوت بکار برده است. پس منظور از یک گله و یک شبان، یک ملکوت و یک پادشاه است.

یوحنا ۱۶:۱۰ من گوسفندان دیگری هم دارم که از این گله نیستند، باید آنها را نیز بیاورم. آنها صدای مرا خواهند شنید و یک گله و یک شبان خواهند شد.

اول قرنیتان ۴۰:۱۵-۴۲ - سه ملکوت در جلال

اول قرنیتان ۴۰:۱۵-۴۲ اجسام آسمانی با اجسام زمینی فرق دارند و زیبایی های آنها نیز با هم متفاوت است. زیبایی خورشید یک جور است و زیبایی ماه و ستارگان نحوی دیگر و حتی در میان ستارگان زیبایی های گوناگون یافت می شود. زنده شدن مردگان نیز چنین خواهد بود: آنچه به خاک سپرده می شود فانی است و آنچه برمی خیزد فنا ناپذیر است.

آموزه مورمونها: آقای Bruce MacConkie یکی از رهبران مورمونها در رابطه با این آیات میگوید.

برخلاف تعالیم مسیحیان دیگر در آسمان ملکوتهای مختلف وجود دارد و ارواحی که پس مرگ برمیخیزند وارد یکی از این بخشهای ملکوت میگردند. (البته بجز فرزندان هلاکت)

آموزه کتابمقدس: اولین نکته ای که باید در اینجا به مورمونها متذکر شد این است که در این آیات هیچ اشاره ای به ملکوت زمینی یا ملکوت سلسطیال (ظلمت خارجی) نشده است. آنها در تفسیر این بخش از کلام واژگانی را استفاده میکنند که اصلاً به آنها اشاره نشده است.

از آیه ۳۵ میفهمیم که موضوع اصلی اول قرنیتان ۴۰:۱۵-۴۲ در پاسخ به سوال فوق است.

اول قرنیتان ۳۵:۱۵ مردگان چگونه زنده می شوند و با چه نوع بدنی ظاهر می شوند؟

پولس رسول از آیه ۳۶ به بعد این سوال پاسخ میدهد. پس پولس به بدنهای زنده شده اشاره میکند اما هیچ سخنی از ملکوت های مختلف نیست. تنها اشاره ای که پولس در اینجا میکند مقایسه ای بین بدنهای زمینی و بدنهای قیام کرده است. او میگوید که بدنهای زمینی ما فانی، ناقص، سقوط کرده (در گناه) و ضعیف میباشند اما بدنهای آسمانی ما درست برعکس فنا ناپذیر، کامل و قدرتمندند.

اگر به مقایسه ای که پولس رسول در آیات بین ۴۰ الی ۵۰ انجام میدهد توجه کنید متوجه خواهید شد که هیچ اشاره ای به ملکوت های مختلف نمکیند.

جدول مقایسه بدنهای زمینی با بدنهای قیام کرده آسمانی

اول قرنیتان ۳۵:۱۵-۵۸

بدنهای قبل از رستاخیز	بدنهای بعد از رستاخیز	آدرس آیه
زمینی	آسمانی	اول قرنیتان ۴۰:۱۵
مرگ	ابدی	اول قرنیتان ۴۲:۱۵
ضعف	قدرت	اول قرنیتان ۴۳:۱۵
طبیعی	روحانی	اول قرنیتان ۴۴:۱۵
فنا	بقا	اول قرنیتان ۵۳:۱۵

از مورمونها بپرسید:

- سوالی که پولس در اول قرنیتان ۳۵:۱۵ مطرح میکند چیست؟ آیا بنظر شما ادامه بحث در پاسخ به این سوال نیست؟
- آیا شما هیچ اشاره ای به ملکوتهای مختلف میبینید؟

بدون شک مورمونها به خورشید و ماه و ستارگان اشاره خواهند کرد که چطور هر کدام از آنها جلام خاص خود را دارا میباشند. اما در پاسخ باید اذعان داشت که در اینجا پولس بسادگی جلال شکوه اجرام آسمانی (خورشید و ماه و ستارگان) را با اجسام زمینی (حیوانات، ماهی و پرندگان) مقایسه میکند تا تفاوت جلال بدنهای آسمانی را با بدنهای زمینی درک کنیم.

متی ۴۳:۱۳ در آن زمان نیکان در پادشاهی پدر خود مانند خورشید خواهند درخشید. هر که گوش شنوا دارد بشنود.

دانیال ۳:۱۲ حکیمان همانند آفتاب خواهند درخشید و کسانی که مردم را به راه راست هدایت کرده اند، همچون ستارگان تا ابد تابناک می شوند.»

علاوه بر آنچه تا کنون نیز گفته شد لازم به ذکر است که آنچه رهبران مورمونها در رابطه با سه ملکوت تعلیم میدهند با

آموزه کتابشان مغایرت دارد.

اول نیفای ۳۵:۱۵ روح انسان یا در ملکوت آسمان ساکن خواهد شد و یا برای همیشه به جهنم، مکان ترسناکی که شیطان مهیا نموده برای همیشه انداخته خواهد شد. (برای مطالعه بیشتر به مورمون ۲۳:۹، اتر ۴:۱۸، هلمن ۱۴:۱۸-۱۹، آلمان ۳:۲۶ و ۴۰:۲۶ و ۴:۴۱ و موسیا ۱۱:۱۶ و دوم نیفای ۲۸:۲-۲۹ و ۱۶:۹ و ۲۱:۲۸-۲۲ و سوم نیفای ۱۱:۲۷ و ۱۷ را مطالعه کنید).

از مورمونها پرسید:

- لطفا از کتاب مورمونها اول نیفای ۳۵:۱۵ را بلند بخوانید.
- آیا در این بخش از کتاب شما اشاره نشده که فقط یک ملکوت آسمان و یک جهنم وجود دارد؟
- شما آموزه رهبرانتان را که به سه ملکوت مجزا اشاره میکند را چگونه توجیه میکنید؟